

آئین زندگی

فصل نادمہ علمی اور ادبی انجمن علم
تربیت میں مراکز میں

فصلنامه علمی پژوهشی
تربیت مدرس مراکز علمی و پژوهشی

سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۴۰۱، تیر ۱۵۰۰
شماره مجوز: ۹۷/۰۹/۹۱۲۱





در این شماره می خوانید...

-درباره هیجان ها ۱

-آمایش سرزمین؛ قسمت اول..... ۲ و ۳

-کنش های رایج والدین نسبت به معلولیت و ناتوانی فرزندان شان قسمت اول ۴ و ۵

-شادکامی در چه چیزهایی وجود دارد؟ قسمت دوم ۶ و ۷

-تبیین جامعه شناختی تغییرات ارزش های نوجوانان ایرانی ۸ و ۹

صاحب امتیاز: مرکز آموزش علمی- کاربردی شرکت تعاونی پیشخان آئین زندگی

مدیرمسئول: نگار زمانی

سرمدیر: مریم نیمی پیلهتندی

هیئت تحریریه:

مهرداد انگیز میکائیلی، بهار رحیمی نصر آباد، مرده جان، خلیل شیروانی

همکاران این شماره:

مرده جان، خلیل شیروانی، علی اسلامبولچی مقدم، علی توری،

ویرایش: رویا بیدی

هماهنگی و روابط عمومی: مبینا آقا جان زاده

چاپ و تکثیر: مرکز آموزش علمی- کاربردی شرکت تعاونی پیشخان آئین زندگی

رایانامه: aienezendegy@yahoo.com

تلفن ۴۴۲۳۵۱۲۱

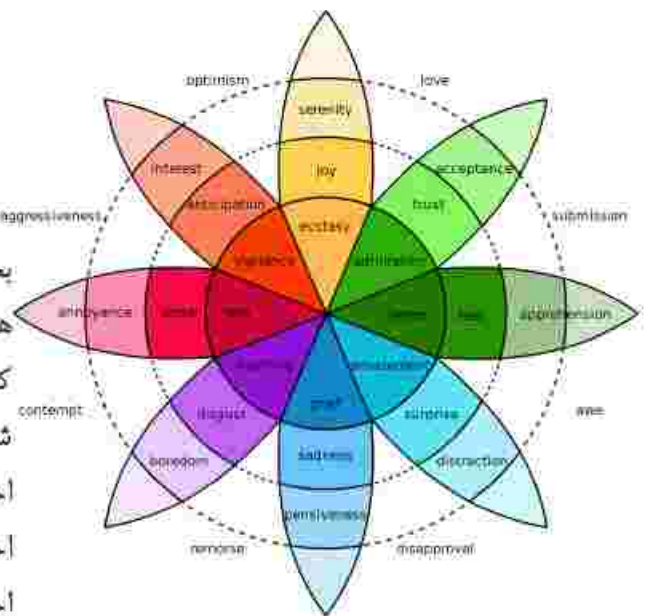
آدرس: بلوار اشرفی اصفهانی، نرسیده به پل همت، خیابان قموشی (پارک) شهرک همای جنوبی، مرکز آموزش علمی- کاربردی

شرکت تعاونی پیشخان آئین زندگی

درباره هیجان ها

خشم Anger
 غم Sorrow
 شادی Joy
 ترس Fear
 نفرت Disgust
 گناه/ شرم Guilt/shame
 علاقه (دلپستگی) Interest
 تعجب (غافلگیری) Surprise

هشت نوع هیجان اولیه وجود دارد. شما در حالی به دنیا می آید که این هیجان ها در مغزتان برنامه ریزی شده است. این برنامه ریزی موجب می شود بدن شما به شیوه های معینی عکس العمل نشان دهد و هنگامی که هیجانی برانگیخته می شود، امیال معینی داشته باشید. سایر هیجان های ما در ترکیب با این هشت هیجان اولیه شکل می یابند. در ادامه فهرست این هشت هیجان اولیه را مشاهده می نمایید:



هیجان های ثانویه

بعضی اوقات ما هیجان های ثانویه داریم که به معنای واکنش هیجانی به یک هیجان است. این هیجان ها در اثر یادگیری کسب می شوند. تعدادی از نمونه های این نوع هیجان ها شامل موارد زیر می شود:

احساس شرم در هنگام عصبانیت.

احساس خشم در زمانی که پاسخ شرم آوری می دهید (مثلاً احساس های مربوط به آسیب دیدن).

احساس ترس هنگام عصبانیت (شاید به این خاطر که در گذشته به خاطر عصبانیت تنیه شده اید).

نمونه های بسیار دیگری نیز وجود دارد. این هیجان ها در بدن و مغز ما برنامه ریزی نشده اند، بلکه از خانواده، فرهنگ و موقعیت های دیگری کسب و آموخته می شوند.

هنگامی که دچار هیجان ثانویه می شوید، ابتدا باید هیجان اولیه آن را کشف نمایید؛ به عبارت دیگر احساسی که واکنش شما از آن نشأت گرفته است. اینگونه می توانید عملکرد سودمندتری را اتخاذ نمایید.

از هیجان های آزار دهنده خلاص شوید

**هیجان تان را ببینید
 **هیجان تان را به طور کامل تجربه کنید
 **به خاطر داشته باشید: شما و هیجان تان یکی نیستید
 **تلاش کنید به هیجان تان احترام بگذارید و به آن عشق بورزید

تهیه و تنظیم:
مژده چانه

کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی و مدرس مرکز



تعریف و اهداف

اصطلاح رایج «آمایش» که معادل واژه انگلیسی **land use** است و منظور از آمایش، تعیین توان بالقوه و شایستگی اراضی یا به عبارت دیگر تعیین مطلوبیت، ترین نوع بهره‌وری از آن، هاست.

«آمایش سرزمین» یا «برنامه ریزی سرزمین» عناوین مختلف نوعی برنامه ریزی است که به سرزمین به عنوان عاملی اساسی و تعیین کننده در تامین اهداف توسعه توجه می‌کند.

دکتر حاج یوسفی در مقاله «آمایش سرزمین» (مجله سبزه، شماره ۴) می‌نویسد «موضوع آمایش سرزمین فضا و چگونگی سازماندهی عقلایی آن در ابعاد ملی و منطقه ای است. این موضوع هرچند به فضا و جنبه فیزیکی و اقتصادی دارد، اما در حقیقت جنبه انسانی، اجتماعی و جغرافیایی (محیطی) زندگی مردمان و جامعه را در بر می‌گیرد».

بر اساس این تعریف، منظور از «آمایش سرزمین»، استفاده از قابلیت های سرزمین و سایر امکانات به اندازه توان آنهاست. به عبارت دیگر، کشاورزی باید در سرزمینی صورت گیرد که توان تولید قراورده های کشاورزی را داشته باشد، در زمینی باید شهرسازی شود که برای آن امر مناسب باشد یا در مکانی باید فعالیت های صنعتی مستقر شود که قابلیت آن را داشته باشد. به طور کلی، «سرزمین» یک منبع محدود و آسیب پذیر است و استفاده از آن باید با مدیریت درست و منطقی و پس از شناخت تنگناها و توانایی های محیطی انجام گیرد.

بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۰، ص ۲) آمایش سرزمین سازماندهی مطلوب فضا در جهت رسیدن به اهداف و راهبرد های جامع توسعه ملی است.

موفقیت و مطلوبیت «آمایش سرزمین» زمانی میسر است که بر پایه های شناخت جغرافیایی فضا تکیه شده باشد. بر این مبنا در آمایش سرزمین از طرفی باید داده های طبیعی مانند توپوگرافی، مورفولوژی، خاک و شرایط آب و هوایی فضا را شناخت و از طرف دیگر، داده ها و توانایی های محیطی اعم از گیاهی، حیوانی، منابع زیرزمینی، به ویژه منابع تجدید نشدنی محیط را آمایش کرد و در کنار آن باید نیروهای مولد (ساختار نیروی انسانی و بازیگران فضا که بر مبنای سیاست خاصی در آمایش سرزمین نقش دارند) را ارزیابی کرد.

ظهور و شکل گیری آمایش سرزمین

از آنجای که انسان موضوع توسعه بوده و هدف آن بهبود بخشیدن به شرایط زیست احاد جمعیت است که در یک سرزمین به سر می‌برند، لذا برای توسعه، انسان باید همگام با سرزمین و بهره برداری بهینه از امکانات آن پیش رود. این امر خود مستلزم مطالعه ارتباط انسان با طبیعت و هماهنگی توسعه اجتماعی، اقتصادی یا محیط زیست می‌باشد. تصمیم گیری درباره اینکه طرح های جدید کجا واقع شوند، به اندازه تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری ن طرح اهمیت داد. آمایش سرزمین تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه شناسی است.

بررسی ها نشان می‌دهد که، سیر تکاملی انسان در استفاده از سرزمین، در سه دوره اصلی صورت پذیرفته است که عبارتند از: (۱) دوران تحولات کشاورزی و پس از آن (۲) دوره تحولات صنعتی تا ظهور نگرش سیستمی و کل گرا (۳) دوره ادغام اطلاعات و علوم بشری و ظهور و گسترش ایده محیط زیست گرای تا زمان حاضر.

درک قانونمندی های طبیعت و تا حد امکان برنامه ریزی برای بهره برداری و استفاده از طبیعت، باعث گردید تا به تدریج مفهوم جدیدی به نام «اکولوژی سیمای سرزمین» به عنوان یک علم بین رشته ای، توسط اکولوژیست ها و جغرافی دانان پس از جنگ جهانی دوم در اروپای مرکزی معرفی گردد، که به بررسی روابط بین جوامع انسانی و فضای زیستی آنها اعم از چشم انداز باز یا انسان ساخت می‌پردازد. هرچند که کارهای علمی و پایه ای آمایش سرزمین به قرن ۱۹ به ویژه به کارهای دانشمندانی مانند ون تانن، وبر و دیگران باز می‌گردد و آنگاه در اوایل قرن بیستم کارهای پایه ای و مطالعات مکان یابی دقیق تری توسط کریستالر، لوش و دیگران انجام می‌گیرد. اما بعد از جنگ جهانی دوم دانشمندانی مانند والتر ایزارد، جان فریدمن، گوکلائنسکی، فرانسوا و پرو و دیگران کارهای مهمی در زمینه برنامه ریزی منطقه ای، مطالعات فضایی و آمایش سرزمین انجام داده اند.

حاصل این تلاش ها به روشی از برنامه ریزی منجر شد که به آمایش سرزمین شهرت یافت.

آمایش سرزمین مناسب ترین و موثرترین راه جهت دست یابی به توسعه پایدار و حل مشکلات تخریب محیط زیست، بازده اقتصادی و رفاه اجتماعی است. در فرآیند تدوین برنامه های آمایشی، سه مرحله متوالی را طی می‌کنند: (۱) تهیه طرح پایه آمایش سرزمین (۲) تهیه طرح آمایش مناطق (۳) تهیه برنامه های توسعه مناطق

آمایش سرزمین و ضرورت تحلیل سازمان فضایی

برنامه ریزی آمایش سرزمین مناسب‌ترین بستر برای برنامه ریزی کلان و بخشی در هر کشوری محسوب می‌شود. زیرا این نوع برنامه ریزی با دیدی وسیع و همه جانبه به فضای ملی می‌نگرد و کلیه مناطق کشور را با دقت از جهات مختلف مورد مطالعه و شناسایی قرار داده و بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعداد های هر منطقه و با توجه به یکتاخشی و هماهنگی اثرات نتایج عملکرد های ملی آنها در سطح کشور، نقش و مسئولیت خاص مناطق مختلف کشور را تعیین می‌کند. مهم‌ترین خصوصیات آمایش سرزمین، جامع‌نگری، دور اندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و ساماندهی فضایی کشور است. هدف آمایش سرزمین، توزیع بهینه جمعیت و فعالیت‌ها و آرایش اقتصادی و کارآمد آنها به منظور مدیریت مناسب سرزمین است؛ به گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد. به عبارت دیگر، هدف کلی آمایش سرزمین «ساماندهی فضا به منظور بهره‌وری مطلوب از سرزمین در چهارچوب منافع ملی است». از این رو آمایش سرزمین ابزار اصلی برنامه ریزی و تصمیم‌گیری ملی و منطقه‌ای است، به طوری که زمینه اصلی تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه‌ای را فراهم می‌آورد و امکان تلفیق برنامه ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی با برنامه ریزی‌های فیزیکی و فضایی را محقق می‌سازد. لذا آمایش سرزمین مبنای طرح‌ها و برنامه‌های جامع توسعه بوده و پیوند دهنده برنامه ریزی‌های اقتصاد، اجتماعی و فضایی و یا مجموع آنان در قالب برنامه ریزی جامع در مقیاس ملی و منطقه‌ای است.

مهم‌ترین خصوصیات آمایش سرزمین، جامع‌نگری، دور اندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و ساماندهی فضایی کشور است. هدف آمایش سرزمین «توزیع بهینه جمعیت و فعالیت‌ها و آرایش اقتصادی و کارآمد آنها به منظور مدیریت مناسب سرزمین است». به گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد.

آمایش سرزمین در فرانسه

فکر برنامه ریزی آمایش سرزمین در فرانسه سال ۱۹۴۷ با انتشار کتابی به نام «پاریس و بیابان فرانسه» توسط ژان فرانسوا گراویه پدیدار شد. به دنبال نخستین بارقه‌های توجه به آمایش سرزمین در فرانسه از اواسط دهه ۱۹۵۰ ظهور یافت و برای این منظور کشور فرانسه به ۲۱ منطقه جهت برنامه ریزی اقتصادی تقسیم گردید و در هر منطقه یک سازمان برنامه ریزی شکل گرفت. با توجه به تمرکز صنایع و کارخانه‌ها در شهر پاریس و رشد سریع اقتصادی و اجتماعی در این منطقه، برنامه ریزی منطقه‌ای به منظور جلوگیری از تمرکز فزاینده در شهر پاریس و پخش توسعه در مناطق مختلف کشور در دستور کار قرار گرفت. اگرچه شروع برنامه ریزی منطقه‌ای در فرانسه نسبت به سایر کشور های اروپایی دیر هنگام بود، اما عده‌ای آن را جامع‌ترین نظام برنامه ریزی در کل اروپا ارزیابی می‌کنند. ژنرال دوگل، معمار فرانسوی در سال ۱۹۶۱ آمایش سرزمین را «تجدید ساختار چهره فرانسه» نامید. آنچه دوگل گفت به دور از نظر اندیشمندان اولیه ایده آمایش سرزمین مانند کلودیس پتی وزیر بازرگانی و شهر سازی وقت فرانسه که در سال ۱۹۵۰ برای نخستین بار در دولت فرانسه این موضوع را مطرح کرد، نبود. آنها آمایش را «هنر یا فن (و نه علم) جای دادن با نظم و ترتیب و همراه با آینده‌نگری انسان‌ها و فعالیت‌ها، زیر ساخت‌ها و وسایل ارتباطی در خدمت انسان‌ها در فضای کشور یا در نظر گرفتن الزام‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی و حتی سوق الجیشی» تعریف کردند. البته آمایش سرزمین را نمی‌توان موضوع تازه‌ای دانست، زیرا سرزمین چون کانون فعالیت و سکونت انسان است همواره در معرض نوعی دخالت، عمران و آمایش بوده است. آنچه نوآوری است تغییر هدفمند و برنامه ریزی شده سرزمین و روش‌های تهیه و اجرای این گونه برنامه‌هاست. فرانسه از معدود کشورهایی است که طی نیم قرن گذشته برنامه ریزی مدون آمایش سرزمین را در دستور کار قرار داده و ساختار سازمانی مشخصی را برای تهیه و اجرای برنامه آمایش سرزمین به وجود آورده است. فرانسه از آغاز برنامه‌های آمایش سرزمین در دهه ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۷۵ دوران موفقی را پشت سر گذاشت. اما در دهه ۹۰-۱۹۸۰ این کشور افول آمایش سرزمین را تجربه کرد. از سر گرفته شدن آمایش سرزمین در این کشور از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد مجدداً اتفاق افتاد.

تهیه و تنظیم

خلیل شیروانی

مدرس مرکز و دکترای مدیریت آموزشی و مدرس مرکز

واکنش‌های رایج والدین نسبت به معلولیت و ناتوانی فرزندان شان

قسمت اول

دانستن اینکه فرزندتان دچار معلولیت و ناتوانی ست، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل استرس‌زا در زندگی شما باشد، اما لزومی ندارد که با شنیدن این خبر خود را ببازید و از هم بپاشید. شما نه تنها می‌توانید با این مسئله کنار بیایید، بلکه می‌توانید با برداشتن گام‌هایی مؤثر از او حمایت کنید تا بر ناتوانی‌اش غلبه کند.

با این حال، باید بدانید که قبل از انجام هر اقدامی، ممکن است احساساتی از یأس و ناامیدی تا آرامش و آسودگی را تجربه کنید. در این گونه مواقع، برخی از والدین فقط یک واکنش از خود بروز نمی‌دهند بلکه بسته به شدت و میزان ناتوانی کودک، مهارت‌های مقابله‌ای خود، و توانایی‌شان در همکاری با همسر یا سایر اعضای خانواده جهت حمایت و رفع نیازهای ویژه‌ی کودک خود، از احساسی به احساس دیگر، تغییر می‌کنند.

در اینجا به متداول‌ترین واکنش‌های دفاعی و ناخودآگاهانه که ممکن است یک یا همه‌ی آنها را حتی در عرض چند دقیقه تجربه کنید، اشاره می‌شود.

۱- انکار و امتناع



انکار اولین مکانیزم دفاعی است که والدین (به خصوص مادران) پس از اطلاع یافتن از ناتوانی فرزندشان از خود بروز می‌دهند. به زبان ساده‌تر، یعنی نمی‌پذیرند که فرزندشان دچار ناتوانی یا معلولیت است و به همین خاطر، برای عقب‌ماندگی تحصیلی فرزندشان بهانه می‌آورند. ممکن است آنها علت عدم موفقیت تحصیلی فرزندشان در مدرسه را معلمان یا همسرشان بدانند. آنها ممکن است ناتوانی کودک شان را به تنبلی او نسبت بدهند و از دریافت خدمات آموزش ویژه برای او خودداری کنند.

چرا انکار رخ می‌دهد؟

پذیرش و تصدیق وجود معلولیت در کودک برای اکثر والدین بسیار دردناک است. والدین برای رهایی از درد ناشی از آن، به‌طور ناخودآگاه متوسل به این مکانیزم دفاعی می‌شوند تا از آنها در برابر اضطراب ناشی از پذیرش ناتوانی فرزندشان دفاع کند. انکار معمولاً نشانه‌ی ترس و نگرانی عمیق و ریشه‌داری است مبنی بر اینکه کودک در زندگی خود موفقیتی به‌دست نخواهد آورد. این ترس اغلب یکی از بدترین ترس‌های والدین است.

۲- خشم و عصبانیت

خشم برادر انکار است، چون ریشه‌ی هر دو، ترس است. والدینی که از معلولیت و ناتوانی فرزندشان خشمگین و عصبانی هستند ممکن است خشم خود را متوجه دیگران کنند. این خشم ممکن است به صورت انتقاد از دیگران، اعتقاد به اینکه سیستم مدرسه نمی‌تواند به اندازه کافی به کودک شان خدمت رسانی کند و جلسات پرتنش و دشوار اولیا مربیان ظاهر شود. چرا خشم رخ می‌دهد؟

خشم و عصبانیت نیز همانند انکار والدین معمولاً به دلیل ترس آنها از عدم موفقیت کودک شان در زندگی آینده است. دلیل این ترس هم اغلب این باور است که یا اصلاً کسی نیست، و یا اگر هست، نمی‌تواند به آنها کمک کند.



۳- غم و اندوه

غم و اندوه احساس بسیار قوی و قدرتمندی است که پس از اطلاع والدین از معلولیت و ناتوانی فرزندشان به سراغ آنها می‌آید. ممکن است غم و اندوه به دلیل نگرانی آنان نسبت به آینده‌ی فرزندشان به وجود آید. ممکن است این احساس بارها در والدین، به دلیل عدم موفقیت کودک در دستیابی به نمایه‌های مختلف رشد جسمی، روانی و اجتماعی در طول زندگی که معمولاً سایر کودکان به‌طور طبیعی آنها را به‌دست می‌آورند، رخ دهد. چرا غم و اندوه رخ می‌دهد؟

غم و اندوه والدین نیز مانند سایر احساسات و هیجانات شان می‌تواند ناشی از این ترس باشد که فرزندشان در آینده زندگی سختی خواهد داشت و هرگز موفق نخواهد شد.

تهیه و تنظیم:

علی اسلامبولچی مقدم

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی و مدرس مرکز

شادکامی در چه چیزهایی وجود دارد؟

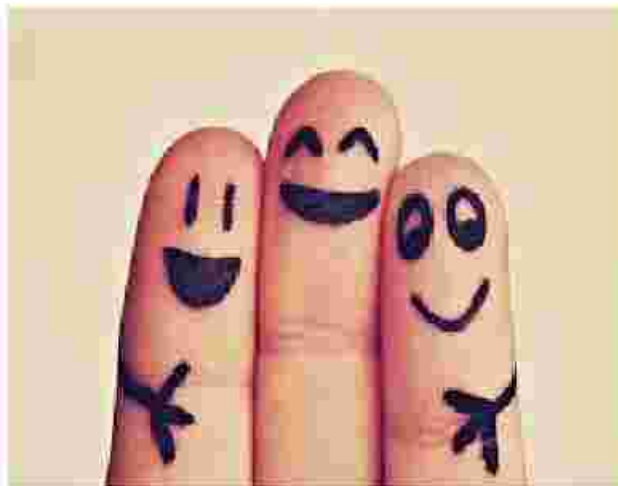
قسمت دوم

در تحلیل روابط اجتماعی و ارتباطی مردم ذکر چند نکته قابل اهمیت است، از جمله اینکه چه چیزهایی مشکلات آنها را حل می کند؟ آیا دارایی و مال و مکنّت می تواند از عهده حل مشکلات مردم برآید و اگر مشکلات شان حل شود چه حالی به آنها دست می دهد؟ خوشحال می شوند؟ خوشحالی آنها چقدر دوام دارد؟ آیا وجود خود مشکلات در عمق تلخی و سختی خود بذّر امید با این مضمون در دل افراد نمی کارد که روزی این شدائد تمام می شود و انسان بدون مشکل یعنی انسان بدون امید؟ نتایج به دست آمده از پژوهش ها نشان می دهد که امید ثمره شادکامی نهفته در دل سختی ها است. با این وجود سختی ها تولید کننده غم و افسردگی هستند، اما این سختی ها با غم و افسردگی در انسان ادامه پیدا نمی کنند و در برهه ای رضایت و شادکامی هم ایجاد می نمایند، به خصوص زمانی که در بستر امید پیش می روند.



حتی می توان به نقش مذهب در ایجاد شادکامی اشاره نمود، خداوند سبحان در کتاب آسمانی خود قرآن نگاه جامع و همه جانبه ای به مسئله شادی دارد، می فرماید «بگو: به فضل خدا و رحمت او شادمان شوید، زیرا این دو از هر چه می اندوزند بهتر است.»

در این آیه شریفه و «آیات دیگر» خداوند نتیجه فضل و رحمت خود را برای بندگان شادمانی می داند و در جای دیگر شادمانی را نتیجه کسب پیروزی افراد در امور تلقی می فرماید، اما شادی حاصل از رحمت خود را بهتر می داند و آن را می پسندد، معنای چنین سختی این است که شکرگزاری برای شناخت رحمت و فضل بیش از حد و عبادت او شادکامی متناسب با شناخت این رحمت به وجود می آورد. به هر صورت اکنون مطالعات زیادی راجع به سلامت ذهنی که همان شادکامی است صورت گرفته با مفهوم عام سلامتی که چیز دیگری است و معمولاً، متغیرهای عینی نظیر درآمد و بهداشت را دربر دارد، متفاوت است (آرجیل، ۲۰۰۱).



مطالعات به عمل آمده نشان می‌دهد که مفهوم شادکامی مبهم و اسرارآمیز نیست و مردم به خوبی می‌دانند که شادی چیست، شادی برای آنها عبارت است از خوشحالی و سرور، داشتن احساس وجد و لذت بردن از اوقات، کار کردن برای مردم به خاطر عواقب آن، اوقات فراغت مناسب با توجه به نحوه گذران آن که نکته مهمی است. طبقه اجتماعی و تحصیلات نیز می‌توانند زمینه‌ای از رضایتمندی را در افراد به وجود آورند و منجر به شادکامی شوند، همچنین ارتباط با افراد شادکام شاید در ایجاد یا افزایش میزان شادکامی بی‌تأثیر نباشد، شادکامی فرایندی است که آثار جسمی و روانی زیادی را به جا می‌گذارد و به عنوان یک ویژگی همراه با انرژی سازنده که توانایی‌های فراوانی در انسان ایجاد می‌کند نگریسته می‌شود.

بنابراین مهارت یافتن در استفاده از امکانات مناسب و شادکام کننده و دوری از موانعی که بر سر راه آن است توصیه‌ای جدی و جهانی است، زیرا شادکامی علاوه بر آن که خود یک نتیجه است، استعدادی ایجاد می‌کند که بارآورنده سایر نتایج مثبت است.

سلیگمن برای پایدار نمودن شادکامی یک فرمول را پیشنهاد می‌دهد:

عوامل تحت کنترل ارادی + شرایط زندگی + دامنه از پیش تعیین شده = شادکامی

بنابراین فرمول پایداری شادکامی شامل دامنه‌ای از پیش تعیین شده از سطح هیجان پذیری و گرایش‌های هیجانی هر فرد به لحاظ ژنتیکی است. عامل قبلی در ترکیب با شرایط زندگی مانند شرایط محیطی، سنی، اقتصادی، ارتباطی و... و همچنین عوامل تحت کنترل ارادی مانند رضایت از گذشته و زندگی، میزان قدرشناسی، بخشش، امید و خوش بینی، توان لذت بردن و... مولفه‌های سازنده شادکامی محسوب می‌شوند (سلیگمن، ۲۹۳۱).

تهیه و تنظیم:
مژده چانه،

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی و مدرس مرکز

کنش‌های نوجوانان در جامعه امروز ایران دچار تغییرات زیادی نسبت به نسل‌های قبلی شده است، تغییرات اعمال و رفتار ریشه در تغییرات نگرش و ارزش‌های آنها دارد. در این پژوهش کوشش شده است به تبیین این موضوع پرداخته شود، چه تغییرات اساسی در جامعه ایران رخ داده است که سبب تغییر در رویکرد و ارزش‌های بنیادین نوجوانان شده است؟ شاید با نگاهی دقیق‌تر به محیط اجتماعی بتوان این تغییر را به تغییرات محیط اجتماعی مرتبط دانست. بهتر آن است که مشخص کنیم جامعه ایران و محیط اجتماعی که کودک در آن رشد کرده و به نوجوانی رسیده است چه تغییراتی را پشت سر گذاشته است؟ ارزش‌های جامعه ایران دچار چه تغییراتی شده و منشأ این تغییرات کدامند؟ جامعه جهانی و به تبع آن جامعه ایرانی، در دو دهه اخیر انقلاب ارتباطات را تجربه کرده است، امری که پیش از آن سابقه نداشت. اولین پیامد مواجه شدن با این حجم از اطلاعات، مسئله تشخیص درست از نادرست است. استفاده از ترفندهای خبررسانی، تحلیل‌های سوگیرانه و منفعت‌طلبی‌های فردی و جمعی این تشخیص را برای آحاد جامعه دشوار کرده است. طبعاً نوجوانان که در حال رشد فکری و اجتماعی و هیجانی هستند و هنوز فرایند رشد آنها کامل نشده است برای انتخاب الگوهای صحیح زندگی دچار مشکلات بیش‌تری هستند.

شاید این سوال مطرح شود که نمی‌توان جامعه را در حال سکون نگه داشت و لازم است با تغییرات جهانی همراه شویم. البته به طور کلی این مطلب درست است، زیرا جامعه ناگزیر به گام برداشتن در راه توسعه است.

در روند توسعه، روحیه تعقل افزایش می‌یابد؛ ارزش‌های طبقاتی، نژادی و سنت‌های ناروای اجتماعی، اعتبار و استحکام خود را از دست می‌دهند. مقاومت در برابر تغییر ارزش‌ها، مسائلی را بر سر راه توسعه به وجود می‌آورد و آن را با مانع مواجه می‌کند. لذا شناخت، ترویج، تقویت، انتقال یا تضعیف ارزش‌های اجتماعی اهمیت می‌یابد.





به نظر می‌رسد تغییر ارزش‌ها شرط لازم برای توسعه است و تحولات اجتماعی نمی‌تواند فارغ از تغییر در ارزش‌ها اتفاق بیفتد.

خانواده، محیط اجتماعی، فرهنگ و تربیت، ارزش‌های اجتماعی را به کودک انتقال می‌دهند و موجب تداوم ارزش‌ها می‌شوند. اما انتقال ارزش‌ها کافی نیست، چون ارزش‌ها باید جزئی از وجود فرد شوند و تبدیل به ابزارهایی شوند که فرد را در بهبود زندگی خود یاری رسانند. ارزش‌ها و اعتقادات اعمال و رفتار انسان‌ها را تعیین می‌کنند، یعنی انسان براساس دانسته‌هایش عمل می‌کند. فرد در فراگرد تحول، ارزش‌ها و آداب و رسوم را مورد سوال قرار می‌دهد. در گذشته، تعداد کم با سوادان و انتشار اطلاعات صرفاً از طریق نوشتار، مانعی در جهت آشنایی عموم جامعه با تغییرات بود. امروزه به دلیل با سواد شدن اغلب مردم و در دسترس بودن انواع وسایل ارتباطی دیداری و شنیداری، گستره نفوذ اطلاعات به نحو غیرقابل باوری افزایش یافته است. این امکان سبب شده است مردم سراسر جهان بتوانند با ارزش‌های مثبت و منفی آشنا شوند.

یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد نوجوان جامعه ما سردرگم بین آنچه والدین از او می‌خواهند، آنچه جامعه و حکومت از او انتظار دارد و الگویی که از خارج از مرزها دریافت می‌کند، بیش‌ترین فشار ارزشی و هنجاری را از هر سو تحمل می‌کند. هجوم اطلاعات به قدری سهمگین است که از آن به سرگیجه اطلاعاتی یاد می‌شود. در این شرایط، امکان تداوم فرهنگ یک جامعه و انتقال فرهنگ به نسل جدید که همان نوجوانان هستند با دشواری‌های فراوان مواجه می‌شود. به نظر می‌رسد بیش از آنکه تغییرات مطرح باشد، شاهد اختشاش و بهم ریختگی هویتی هستیم که منشأ آن غالباً خارج از مرزهای کشور است. فردگرایی افراطی، مادی‌گرایی، منفعت‌طلبی و سودجویی الیگارش‌های نظام سرمایه‌داری جهان با تمام توان در جهت نهادینه کردن الگوی مورد نظر خود در همه جوامع تلاش می‌کنند و در این مسیر، مقاومت‌های فرهنگی جوامعی مانند ایران را با ابزارهای قدرتمند مالی و رسانه‌ای خود هدف قرار می‌دهند.

شرکت تعاونی
پیشگازان آئین زندگی

آموزش توانبخشی
فروشگاه ورزشی

تأسیس سال ۱۳۷۷